

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۱۳ مارچ ۲۰۲۲



یونس نگاه

انتظارات مردم تعیین کننده است

(تجارت مذهبی و سیاسی)



رهبران سیاسی، آدم‌های زیرک و فرصت‌طلب‌اند. شعارهای آنان، بیشتر مواقع از عقاید خودشان نمی‌آید بلکه بر بنیاد انتظارات مردم و هواداران‌شان تنظیم می‌گردد.

بیشتر رهبران مذهبی از نظر عقیدتی افراد لاییک (خدانشناس) اند. آنان برخی به‌نیت نیک در جایگاه رهبری توده خدانشناس و گوسفندی می‌نشینند تا با استفاده از ابزار مذهب و اخلاقیات سنتی نظم و انضباطی به جامعه بدهند. آنان شبیه معلم کودکانند که با قواره حق‌به‌جانب و باورمندانه افسانه‌های بزرگ‌چینی را به کودکان بازگو می‌کنند تا ذهن‌شان را شکل دهند.

تعدادی اما آدم‌های موزی و سودجووند و مطابق نیاز بازار، دکان باز می‌کنند. این جماعت در شرایط بحرانی و زمانی که جنگ و جهاد رایج می‌شود، به‌رهبری می‌رسند. آنان عیاش، پول‌دوست، بداخلاق، زورگو و ظالم‌اند. در

شصت‌سالگی با شاگرد ۱۴ ساله خود که از سوی خانواده‌اش نزد او امانت گذاشته شده، ازدواج می‌کنند؛ طلای زنان عرب را که برای خانواده قربانیان جنگ کمک شده است، به گردن همسران خود می‌آویزند؛ برای رسیدن به چوکی صدارت یا ریاست جمهوری، کابل را با تمام ساکنانش به آتش می‌کشند. در خلوت شاید نماز بخوانند اما در جلوت پیش‌نماز می‌شوند.

گلبدین حکمت‌یار به تیزاب‌پاشی به روی دختران پوهنتون مشهور است. او مثل طالبان در سیاست و برای مردم سیستم آموزشی مدرسه‌ای می‌خواهد و طرفدار جدائی محل درس دختران و پسران است. اما برای خود و خانواده‌اش این محدودیت را قایل نیست. دختر او در دانشگاه پاکستانی با پسران یکجا درس‌خوانده، داکتر شده و به نقل از پستی که اسکرین‌شات آن را شریک کرده‌ام، داکتر صاحب در صنف با یک هم‌صنفی‌اش رابطه عاشقانه داشته و با او ازدواج کرده است. عاشق شدن در صنف‌درسی برای دختر حکمت‌یار حلال است، ولی برای دختران پیروان او حلال نیست.

کارت عروسی دختر آقای حکمت‌یار نیز از سطح جامعه ما بالاست. طرفداران گلبدین حکمت‌یار نام زنان و دختران‌شان را یاد نمی‌کنند و در کارت‌های عروسی به دختر فلانی گفتن اکتفاء می‌کنند. اما دختر حکمت‌یار، داکتر حبیبه خانم، نامش در کارت عروسی ذکر است. این حق حبیبه خانم است. من به او شادباش می‌گویم که در صنف مختلط درس خوانده، با هم‌صنفی‌اش بعد از صحبت و آشنائی ازدواج کرده است و نامش را نیز بر کارت عروسی نوشته است.

اما پدرش حق ندارد از عقب‌ماندگی مردم تجارت‌خانه بسازد. او نباید سنت‌های ناپسند را به‌نام دین تبلیغ کند و از دانشگاه اسلامی و ناسلامی سخن بگوید. پدرش باید آنچه را برای خانواده خود می‌خواهد برای خانواده‌های مردم نیز بخواهد.

پدر حبیبه خانم اما تاجر سیاسی است. تعیین باید و نباید برای او، کار بیهوده است. او مطابق نیاز بازار عمل می‌کند. برای آن‌که حکمت‌یار برای شما تحصیلات مدرن بخواهد، زندگی مرفه بخواهد، روابط اجتماعی مبتنی بر آزادی فردی بخواهد، باید انتظارات خود را بالا ببرید. تقاضا را وقتی تغییر دادید، عرضه نیز تغییر می‌کند. دکانداران سیاسی به نبض باورهای شما چشم دارند. انتظارات ما و شما در تعیین نوع حکومت بسیار مهم است.